نگاه کارشناس

مسوولیت همسایگی

یوسف مولایی
Yousef.molaei@gmail.com

تنفس در انتظار مهربانی هوا به تنگی افتاده است دریغا که زیر بار سنگین اندوه دست از دامن آه نیز کوتاه است که آه دود خالی از بساط آکسین است. در میان لیوه ابرهای تیره و آلوده که ذرات معلق و مسموم را به پشت خود نشانده‌اند واژه‌های شعارش و تقویم زمان نیز تغییر کرده است. عمر زمان در فاصله دو پلاک ماشین حرکت می‌کند در فاصله دو پلاک فرد و زوج. گاهی نیز، روز تعطیل و توقف است.

در این شرایط آلودگی هوا گدار از شرایط اضطراری و خطرناک و سیر در عالم نامالم و کیحظر را باید جشن گرفت. حضوری اجباری و طولانی در کنج خانه شادابی و نشاط را از روح می‌زداید و دوری ازجمع دوستان و محیط اجتماعی، افسردگی‌ها را به مشکلات تنفسی می‌افزاید. ریز گردها سیمان‌های ناخوانده سفره‌های آلوده هوای پزامرد است.

مدتی است که انگشت اتهام به سوی همسایه‌های ناهمپران نشانه رفته است. همسایه هم همسایه قدیمی، اگر، سودی نداشت، حداقل هوای زندگی را آلوده نمی‌کرد. تالاب‌های خشک، بیابان‌های عریان و رودخانه‌های کم‌آب و گرفتار در زنجیر سدها، آسایش ما را که گروگان گرفته‌اند. چه دنیایی! طبیعت در حرکتی یکدست و هماهنگ دست به عصیان برداشته است.

تغییرات زیست‌محیطی و فرسودگی و مرگ تدریجی زیستگاه‌های تالابی که نقش مهمی در جذب و جلوگیری از انتشارات ذرات گرد و غبار دارند موجب افزایش بستر خشک حاشیه تالاب‌ها و ایجاد سطح کلاته‌ارم شکننده و سست از بافت خاک در منطقه شده است. این ذرات نیز به بساد چندان قوی برای جابه‌جایی نیازمند و با ضعیف‌ترین جریان هوا چرا گسست بافت شده و به آسمان بلند می‌شوند و به دلیل ناچیز بودن وزن و اندازه ذرات، در جو معلق باقی مانده و به دلیل اختلاف ارتفاع بین ارقی دشت و کوهستان جابه‌جا می‌شوند و از طریق تبادلات حرارتی ناشی از حرکت توده‌های هوا اوج گرفته و به ارتفاعات بالاتر می‌رسند تا جایی که حتی بالاتر از ابرها قرار می‌گیرند و فروشست آنها با مشکل مواجه است. در این مواقع حتی باران، باران و برف نیز کارساز نخواهد بود و موجب فروشست ریزگردها نمی‌شود. به همین دلیل است که در زمان وقوع ریزگردها از غرب و جنوب‌غرب به سوی مرکز پیشروی کرده، نیمی از شهرهای کشور را در می‌نوردیده. ریزگردهایی که منشاء تالابی دارند از ریزگردهای بیابانی خطرناک‌تر هستند نشست و تجمع این ذرات در دستگاه تنفسی موجب صدماتی از جمله نکروزه شدن سلول‌های تنفسی، آمفیزم، برونشیت، فرانشیت، نارنشیت، آسم و برخی دیگر از بیماری‌های میکروبی همراه با سل و سرطان و بیماری‌های چشم می‌شود. بروز این پدیده در زمان بلا بودن میزان گازهای آلاینده هوا موجب تشدید اثرات منفی بر سلامت انسان و محیط زیست می‌شود. ریزگردها ملغ از تبادل هوا در روزنه‌های تنفسی در برگ و ساقه‌های گیاهان اعم از علوفه‌ای، بوته‌ای، درختچه‌ای و درخت‌ها شده و بطور کلی فعالیت‌های کشت و زرع را به شدت به خطر می‌اندازد که این امر نیز به نوبه خود جلوه‌جابی و مهاجرت اجباری تعداد زیادی از شهروندان را بدنبال خواهد داشت که تبعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن فاجعه‌آمیز است.

مسوولیت همسایگان در تخریب محیط‌زیست

فراگیرشدن پدیده ریزگردها در حداقل نیمی از گستره سرزمین ایران و نفوذ تدریجی آن به دشت‌های مرکزی و شهرهایی چون اصفهان تحکیم‌کاری‌های زیادی را برانگیخته و اظهارنظرهای زیادی را به صورت موج به حرکت درآورده است. بخش زیادی از اظهارنظرها بر پایه‌های علمی و منطقی استوار نیست. چرا که موضوع ریزگردها بسیار پیچیده و چندجانبی است. شناسایی عوامل مرتبط به آن و اندازه‌گیری خطرات آن نیازمند یک مطالعه جامع علمی است. بسیاری از افراد بر پایه یافته‌ها و حتی شنیده‌های ناچیز خود تصاویر ذهنی و دریافت‌های حسی خود را به‌جای مباحث علمی به یکدیگر منتقل می‌کنند و بر سطح و گستره ابهام و آشفتگی می‌افزایند. از همین رو در آیه نوحه‌های نایخته و گمراه‌کننده نیز از یکدیگر سبقت می‌جویند. راجع‌ترین دیدگاه که بالقبال توده مردم مطرح شده است مسوولیت کشور عراق در عدم مقابله با بیابان‌زدایی و مهار کنترل عوارض منفی آن است و این در شرایطی است که هنوز قلیمنشان منبع، مطالعات و تحقیقات و نشان دهنده شدت و ضعف این پدیده را بصورت علمی و کامل معرفی نکرده‌اند و تا زمانی که جنبه‌های علمی این پدیده به‌صورت جامع و آشکار روشن نشود، نمی‌توان در چارچوب رویکردهای منطقی حوالت مسوولیت را طرح و بسط داد. در حال حاضر فقط می‌توان به صورت بسیار کلی به طرح و بیان مساله صحبت کرد. بسیاری از تیانل نظر علمی و سازنده فراهم کرد که آنچه موجه به سخت مسوولیت است باید به هر دو کانون داخلی و فرامرزی توجه کرد. دقلمرو مسوولیت فرامرزی کشورهای همسایه همچون عراق و عربستان و افغانستان و ترکیه و کویت در سطح منطقه‌ای نمی‌ارند و بویژه را می‌توان با پدیده ریزگردها مرتبط دانست و تا آنجا که موضوع مربوط به فعل یا ترک فعل انسانی است، این کشورها را به شکنگویی فراخواند و در این رابطه سه مساله مقدماتی باید مورد بررسی قرار گیرد. نخست اینکه در تعریف عنصرمادی مسوولیت باید مشخص شود که کدام بخش از ریزگردها در چه نواحی و در چه زمانی با فعل یا ترک فعل کشورهای همسایه و منطقه ارتباط برقرار می‌کنند. حجم زیادی از ریزگردها ازبیابان‌های وسیع جنوب غرب آسیا شامل قومی دوهزار کیلومتری از بمن تا سوریه به گستره سرزمین ایران سرازیر می‌شود که تعیین میزان دقیق مساله‌انی از بسیار دشوار است. خشک شدن تالاب‌ها در عراق و کاهش شدید آب رودخانه‌ها در عراق را نمی‌توان نیز بیکی از عوامل تاثیرگذار بر پدیده ریزگردها به شمار آورد. بنوین تردید کشور عراق یکی از کانون‌های بروز پدیده ریزگردها است چرا که بخشی از ریزگردها خاستگاهی غیرنی و جنوبی‌تر دارند و با توجه به استعداد بیابان‌های وسیع عربستان در ایجاد موج عمده ریزگردها و اقدامات غیرمسوولانه دولت ترکیه در ایجاد سدهای متعدد روی دجله و فرات و مشکلات اقتصادی، سیاسی، امنیتی عراق، بسیار دشوار است که میزان مسوولیت دولت عراق را مشخص کرد. از طرف دیگر بیابان‌های ایران و عربستان چندین برابر مساحت کشور عراق است و حود ایران در فهرست شش کشور اول بیابان‌زا قرار دارد. با توجه به گستره صحرای آفریقا و بیابان‌های جنوب عربستان می‌توان بخشی از مسوولیت را متوجه جغرافیا و طبیعت عربستان و کشورهای آفریقایی کرد با وجود این بسیار دشوار است که میزان مسوولیت بخشی از عوامل انسانی در عربستان و کشورهای آفریقایی را در پدیده ریزگردها تعیین کرد احداث سد کجکی و بندهایی بعد از سد کجکی در بالادست رودخانه هیرمند توسط دولت افغانستان و قطع جریان رودخانه هیرمند در خاک ایران و خشکسالی پیش آمده از یک دهه تلاب هامون را نیز می‌توان از جمله علل اوج‌گیری توفان‌های شن و گرد و غبار تلقی کرد و دولت افغانستان را به یانحگذوی فراخواند. با وجود این به خاطر جدیت علمیتی بودن پدیده ریزگردها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی کشور افغانستان تعیین میزان دقیق مسوولیت این کشور بسیار دشوار است. در مورد کشور ازبن و سوریه نیز می‌توان پرسش‌های مشابهی را در حوزه مسوولیت مطرح کرد. ازبن و تاجام مطالعات جامع و کامل توسط کارشناسان ذی‌صلاح و بین‌المللی نمی‌تواند به آسانی درخصوص عنصر مادی مسوولیت ناشی از ریزگردها اظهارنظر کرد.

ادامه در صفحه ۹

نیم‌نگاه

ورود مجلس، مساله خزر

دومین اجلاس ملی دریای خزر با هدف احیای حقوق ایران در یکی از شهرهای ساحلی بزرگ‌ترین دریاچه جهان برگزار شد. این اجلاس دو روز (۲۸ و ۲۹ دی) در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد مازندران و شهر ساری توسط کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی برگزار شد. وزیر امور خارجه در این اجلاس گفت: برای تدوین روابط ایران با کشورهای همسایه نیازمند رعایت اصول سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی هستیم. تنظیم روابط با همسایگان خارجی را باید هرچه سریع‌تر برقرار کنیم تا برایش اساس موارد اختلاف را حل کنیم. علی‌اکبر صالحی ادامه داد: بایستی به کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی یکی از اصول اصلی در سیاست خارجی محسوب می‌شود، نمی‌توانیم هرگونه رفتاری از خود برای تامین منافع ملی کشور بروز دهیم بلکه باید به‌گونه‌ای حرکت کنیم که در چارچوب باورهای دینی ما باشد و به کشور و ملت ما ظلم و تعدی نشود.

صالحی با بیان اینکه ایران اسلامی از معدود کشورهایی است که با ۱۵ کشور همسایه مرزهای آبی مشترکی دارد، یادآور شد: برای تنظیم روابط ایران و همسایگان نیازمند رعایت اصول سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی هستیم. وی با اشاره به راهاندازی دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در مازندران اظهار کرد: تاسیس این دفتر می‌تواند در توسعه مناسبات اقتصادی و بین‌المللی استان‌های شمالی با کشورهای همسایه موثر باشد. رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز با بیان اینکه دریای خزر از اهمیت بالایی برای ایران برخوردار است، افزود: مجلس تلاش می‌کند تا ارتباط ایران با چهار کشور همسایه دریای خزر در سطح پارلمانی تقویت شود. به گزارش خانه ملت، «علاءالدین بروجردی» درباره اهمیت برگزاری دومین اجلاس ملی خزر، گفت: مجلس با توجه به وظیفه نظارتی خود به دنبال این بود که دستگاه‌های ذی‌ربط در موضوع خزر تا چه اندازه در زمینه ریزگرد حقوقی این دریا گسترش همکاری‌های چند جانبه با سایر کشورهای همسایه دریای خزر، مسایل زیست‌محیطی و تولری دریایی پیشرفت داشته‌اند و تا چه حد این اهداف را محقق کردهاند. رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نهم، یادآور شد: امیدوارم تا با حضور علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه در دومین اجلاس ملی دریای خزر این نشست دستاوردهای خوبی به همراه داشته باشد. و در ادامه مجلس هم تلاش می‌کند تا با فعال کردن همکاری‌های پارلمانی، ارتباط ایران با چهار کشور همسایه دریای خزر در سطح پارلمانی تقویت شود.

احیای حقوق ایران در اجلاس ملی خزر

رییس کارگروه خزر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز در مورد این اجلاس گفت: مجلس و نمایندگان کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس موضوع خزر، حقوق ایران و همکاری بین کشورهای حاشیه خزر برای تقویت دریای و هوایی ایران را با حساسیت دنبال می‌کنند. مهدی سنایی، نماینده نهاوند در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: برگزاری این اجلاس مطالبه مجلس در بحث خزر را نشان می‌دهد و لازم است این مذاکرات پایان مشخصی داشته باشد، بر این اساس ضرورت دارد با حضور دستگاه‌های اجرایی شتاب بیشتری به روند مذاکرات و به نتیجه رساندن و برطرف کردن مشکلات بدهیم. این نماینده مردم در مجلس نهم، با تاکید بر اینکه ۳۱ دوره مذاکرات طی ۱۵سال گذشته برگزار شده است، افزود: به طور طبیعی این مذاکرات با هدف تامین حقوق جمهوری اسلامی در خزر دنبال می‌شود و لازم است دستاوردهای را به دست آوریم. سنایی عنوان کرد: در زمینه امنیت خزر قطعنامه مشترکی تصویب شد که به صورت سندی آماده شد. نماینده نهاوند در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که سهم حقوقی ایران چند درصد است، افزود: بحث‌های مختلفی در این زمینه انجام شده اما مهم این است که هنوز مساحت‌های در زمینه خزر به تصویب نرسیده و هنوز هیچ سند رسمی جز قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ با سوی ایران و کشورهای حاشیه خزر منعقد نشده، وجود ندارد در حالی که ایران تلاش می‌کند حاکمیت حقوق خزر را در بین پنج کشور ساحل خزر به دست آورد.

پروفسور حسن امین رژیم حقوقی دریای خزر را در گفت‌وگو با شرق بررسی کرد

سهم ایران از خزر ۵۰ درصد است

آرمان محمودیان

عکس: مهدی حسنی، شرق

پروفسور حسن امین در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در محله پامنار در شهر تاریخی سبزوار در خاندان امین‌الشریعه متولد شد. در ۱۷سالگی درسال ۱۳۴۵ وارد دانشکده حقوق دانشگاه‌تهران شد. کارشناسی و کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه تهران و دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل را در دانشگاه کلاسکو گذراندند و پس از ۴سال تدریس در دانشگاه‌های دولتی اسکاتلند به سمت صاحب‌کرسی (پروفسور) حقوق در دانشگاه گلاسکو کالیدونیا ارتقا یافت. او همچنین پس از اخذ پروانه وکالت از دادگاه‌های عالی اسکاتلند، به سمت مدعی‌العموم موقت شهر گلاسکو منصوب شد.

■ فکر می‌کنید دستگاه دیپلماسی ما در حوزه بین‌الملل توانسته از حقوق ایران بر اساس معاهدات و قراردادهایی که با کشورهای دریای خزر به دست آمده دفاع کند؟

در مجموع حیوت منفی است. دستگاه دیپلماسی ما فاقد نبوده تا به‌طور کافی برنامه قراردادها و معاهدات و تعهداتی را که از قبل وجود داشته را ذیل و استیفای حقوق ایران را برابر همان قراردادهای موجود پیگیری کند.

دلایل عمدهاش هم یکی این است که اولویت‌بندی‌ها متفاوت شده و تا اندازه‌ای هم بازگیری‌ها و کشورهایی که با ایران پیوند خاصی داشتند تا حدودی منزلزل شده است؛ در نتیجه ایران در شرایطی قرار نداشته و خوش را در آن شرایط قرار نداده که بتواند باییندی به آن قراردادها را از طرف مقابل مطالبه کند. و این هم به‌دلیل دیدگاه متفاوتی است که دو طرف به هم داشته‌اند. به هرحال یک امری است که در حقوق بین‌الملل هم مطرح است. مساله تغییرات اساسی در وضع بعد از قرارداد و بعد از تعهدات است؛ زیرا که وقتی اتفاقی می‌شود خواناخواه آن ارتباطات جزءاً اختلال می‌شوند و براساس آن دو طرف نسبت ارتباط جدید باییندی‌هایشان را نخواهند داشت.

همچنان که در مواردی که یک طرف احساس می‌کند به سودش است که به آن قرارداد عمل نکند، طرف مقابل هم همان‌طور به وضعیت‌های مشابه دیگر با توجه به منافع خود عمل می‌کند.

بنا بر این اگر به قراردادهایی که قبل از انقلاب نوشته شده و تعهداتی که بر اساس آنها داده شده بنگریم، واضح است که ایران را متحدی جدی برای غرب تشخیص داده‌اند؛ حب بعد از انقلاب، مبنا و اساس آن قرارداد عوض شده و مسلما هیچ‌کدام از طرفین همچون گذشته به آن نگاه نمی‌کنند.

■ بعد از ۲۰سال پیش که فروپاشی شوروی رخ داده و کشورهای جدیدی ظهور کردند، بحث دریای خزر و رژیم حاکم بر آن باز دیگر مطرح شد. در این راستا به نظر شما قرارداد گذشته که بین ایران و شوروی بوده با توجه به شرایط جدید تا چه حد از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند نافذ باشد؟ آیا می‌توان همین‌طور که در گذشته صحبت از ۵۰-۵۰ بین طرفین بوده هم‌اکنون نیز باینگونه طرفین بهره‌برداری کنند؟

به عقیده من اصل جلتشینی دولت‌ها که در حقوق بین‌الملل کاملا تثبیت شده است، اقتضای همین را می‌کند که ایران پافشاری کند بر اینکه تحولی که پس از فروپاشی شوروی ایجاد شده، موجب ایجاد حق تازه‌ای برای کشورهای جدیدالتاسیس نخواهد شد و اگر هم بشود به شخص ثالث که ایران است مربوط نخواهد شد. ممکن است که آنها بین خودشان یک حقوقی را پس از ایجاد آن شرایط مدعی بشوند، اما نسبت به کشور ثالث که ایران است هیچ‌گونه حق تازه‌ای به کشورهایی که جانشین اتحاد جماهیر شوروی هستند داده نخواهد شد.

برای اینکه کاملا این مطلب به ذهن و ذبان خوانندگان روزنامه نزدیک شود و به اصطلاح تقریب اذهان شود، مثل این می‌ماند که دو تا همسایه باشند بعد یک کدام در خانه خود وضع سابق خود را ادامه دهد و در همسایه آن طرف پدر خانواده بمیرد و پنج ورث پسر داشته و ملکی بین آن پنج ورث تقسیم شود، اما اینکه ملک در گذشته یک‌صاحب داشته و حال بین پنج صاحب تقسیم شود، موجب نمی‌شود که فرزندان پنجگانه پدر متوفی طلب این را کنند که بخشی از ملک مجاور سهم آنها شود.

این امر که در دریای خزر چنین توهمی به‌وجود بیاید که چون فروپاشی شده، باید اساس و مبنای جدیدی برای تقسیم به وجود آید، آنچه که در گذشته وجود داشته اگر تثبیت شده باشد؛ هرچند که باید بسیاریم بر مبنای آن تعهدات و معاهدات موجود، چیزی بین ایران و شوروی وجود داشته که بخشی از آن از مرتبط است با استاد و مدارک و بخشی دیگر هم مرتبط است با عرفی که طرفین آن را پذیرفته‌اند.

■ ظاهرا در آن قراردادی که وجود دارد از واژه اشتراکی استفاده می‌شود. این واژه اشتراکی قائم به سهم است یا قائم به توانایی، به‌عرحال در دوره شوروی هم عملا ایران به‌دلیل قدرت برتر شوروی در دریای خزر هیچ‌گاه از سهم خود در دریای خزر استفاده نکرد یا این وجود وضعیت ما در دریای خزر چگونه است؟

اگر اینکه ما قایل به حاکمیت و مالکیت سرزمینی و دریایی ایران به سهم ایران در دریای خزر بیرو قرارداد مذکور یا شوروی بشویم، اینکه ما استعداد و توانایی عملی برای بهره‌مندی و استفاده از میزان از حقوق خود را داشتیم یا نداشتیم، آن موثر در مقام نیست؛ به این معنا که مثل این است بچه‌ای که هنوز به سن کبسوکار نرسیده اما اگر چیزی به او بدهند باشد یا وجود اراده او توانایی اداره آن ملک را ندارد از حقوق مالکیت او بر ارث کم نخواهد شد.

در عین حال، واژه اشتراکی که مشمول منافع ایران می‌شود، موجب احقاق حق هم بشود؛ یعنی اگر برای مدت بسیاری یک کشور از حق کشور دیگر استفاده می‌کند و مورد اعتراض و نقد دی‌حق قرار نمی‌گیرد، می‌توان این سکوت را یک رویه برای احقاق حقو نلفی کند که البته ایجاد حق به معنای واقعی نمی‌کند؛ بلکه به آن جهت موثر است که فرصت ادعای مخالف را به عنوان مورر زمان از آن شخص می‌گیرد. البته بنا مجدد متذکر شو که این هم مطرح است که در دوران حیات شوروی، روابط طرفین در چه وضعیتی بوده و ایران در گذشته عملا استفاده کرده یا نکرده و استفاده طرف مقابل چقدر بوده است و در نهایت آیا ایران به استفاده مازاد بر حق طرف مقابل اعتراض کرده است یا نه و با قالب سندی چنین اجزای داده است یا نه؟

■ از نظر حقوقی آن قراردادی که بین ایران و شوروی هست آنقدر محکم‌بسته هست که بشود با اتکا و استناد به آن خواستار طرح پروونده و ایران در محکمه‌بین‌المللی بشویم؟

بسیبیه‌ما در ۱۹۲۱، قراردادی با شوروی بستیم که در آن مسایل مختلف بین ایران و شوروی وجود داشته در آن مطرح شده و ماحصل آن این بود که شوروی از تمام ادعاهای دولت تزاری روسیه بر ضد ایران صرفنظر می‌کند. این بحث از این جهت مهم است که حقوق ایران در آن زمان به‌عنوان یک دولت مستقل مورد قبول دولت شوروی قرار گرفته است.

در فصل اول این قرارداد آمده است که دولت شوروی در مورد سیاست‌های خود در قبال ایران از سیاست جابرانه روسیه تزاری صرفنظر می‌کند؛ بر اساس این فصل تمام معاهدات و قراردادهایی که روسیه تزاری با ایران منعقد کرده و حقوق ملت ایران را تضعیف کرده، ملغی و فاقد درجه اعتبار است.

■ آیا در این قرارداد به سهم ایران در دریای خزر اشاره شده؟

در فصل سوم، سرحدات ایران و روسیه در سطوح خاکی روده‌خانه‌های مرزی مشخص شده و در فصل یازدهم این قرارداد آمده است که فصل هشت عهدنامه ترکمنچای که در آن حق انتفاع دریای‌خزر که به‌طور عام از ایران سلب شده بود از درجه اعتبار ساقط شده است و طرفین می‌توانند «بالسویه» حق کشتیرانی مفیدی را ایفا کند، برای اینکه حق بهره‌برداری مساوی در تمام دریای‌خزر برای ایران به‌رسمیت شناخته شده و محدود به سواحل ایران نیست.

اصل جلتشینی دولت‌ها که در حقوق بین‌الملل کاملا تثبیت شده، مقتضی است که ایران پافشاری کند بر اینکه تحولی که پس از فروپاشی شوروی ایجاد شده، موجب ایجاد حق تازه‌ای برای کشورهای جدیدالتاسیس نخواهد شد. ممکن است آنها بین خودشان یک حقوقی را پس از ایجاد آن شرایط مدعی بشوند، اما نسبت به کشور ثالث که ایران است هیچ‌گونه حق به معنای تازه‌ای به کشورهایی که جانشین شوروی هستند داده نخواهد شد

بستر این دریاچه و منابع آن مطرح است. به‌نظر شما۱۱ن دستگاه دیپلماسی کشور بالاخص وزارت خارجه با این وجود بازهم باید موضع ۵۰درصد بگیرد؟ چون‌که موضع فعلی ایران استفاده ۲۰درصدی و سهم مساوی بین کشورهای ساحلی است. از سوی دیگر کشورهای اطراف خزر برای ایران خواهان سهم ۱۱درصدی هستند که آن را با توجه به خطاافرایی که از آستارا به سمت دیگر

براساس معاهده ۱۹۲۱، عهدنامه ترکمانچای که در آن حق انتفاع دریای‌خزر که به‌طور عام از ایران سلب شده بود از درجه اعتبار ساقط شده است و طرفین می‌توانند «بالسویه» حق کشتیرانی آزاد در دریای خزر را داشته باشند. این واژه «بالسویه» برای ما می‌تواند نقش بسیار مفیدی را ایفا کند، برای اینکه حق بهره‌برداری مساوی در تمام دریای‌خزر برای ایران به‌رسمیت شناخته شده و محدود به سواحل ایران نیست

رژیم حقوقی دریای خزر

روس‌ها تا مدت‌ها حقوق ماهیگیری انحصاری و بهره‌برداری از دریای خزر را به خود اختصاص داده بودند. در سال‌های ۲۵-۱۷۲۳ میلادی سیاست گسترش مرزهای امپراتوری روسیه با این هدف تنظیم شده بود که دریای خزر و خط ساحلی آن به‌گونه‌ای در قلمرو روسیه قرار گیرد تا بسته شدن پیمان‌های ترکمانچای و گلستان، دریاچه چگونگی بهره‌برداری از دریای خزر بین ایران و روسیه، هیچ‌گونه پیمان رسمی وجود نداشت. پیمان گلستان (۱۸۱۳) نخستین پیمانی بود که میان ایران و روس بسته شد و در آن از رژیم حقوقی دریای خزر سخن گفته شده. در این پیمان، ایران به‌دلیل شکست در جنگ با روسیه از بسیاری از حقوق خود در دریای خزر محروم شد به سخن دیگر، پیش از پیمان گلستان بهره‌برداری از دریای خزر به صورت منابع و مشترک بوده و هر یک از دو کشور کناره‌های ایران و روسیه به اندازه خود از آن بهره‌برداری می‌کردهاند. در آن هنگام کمتر به مسایل امنیتی دریا توجه می‌شد و دریای خزر برای ساحل‌نشینان بیشتر نقش اقتصادی داشت.

دریای خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان و پهنه آبی محصور در خشکی، یکی از مناطق مهم در تامین انرژی جهان محسوب می‌شود. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و افزایش کشورهای ساحلی از دو کشور به پنج کشور، شاهد مذاکرات طولانی، تعارض دیدگاه‌های سیاسی‌وحقوقی، تضاد در منافع اقتصادی دولت‌های ساحلی و نشدت در نظریات حقوقی صاحبنظران در مورد تعریف رژیم حقوقی این دریاچه هستیم و هنوز توفیقی در زمینه حل‌وفصل مسایل موجود به دست نیامده است.

این دریا از نظر جغرافیایی یک دریاچه مرزی بوده و مشمول تعریف دریای بسته یا نیمه‌بسته به نحو مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها‌نمی‌رود. از سوی دیگر از نظر تاریخی و معاهدات سنتی و وقایع جدید تعریف شود.

اختلافی که اینک درباره رژیم حقوقی دریای خزر مطرح شده است در اوایل سال ۱۹۹۴ به بروز کرد و زمینه بروز آن مذاکراتی بود که در آن تاریخ بین دولت جمهوری آذربایجان و کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی جریان داشت.

مذاکرات مزبور در سپتامبر ۱۹۹۴ به امضای قراردادی منتهی شد و موضوع قرارداد عبارت بود از اجرای عملیات جهت توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفتی واقع در منطقه‌ای که در قرارداد از آن به‌عنوان بخش آذری زیر بستر دریای خزر مذکور شده بود. پیش از آنکه کار مذاکرات به امضای قرارداد بینجانبه وزارت خارجه روسیه طی نامه‌ای در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۹۴م موضع رسمی دولت متبوع خود را به اطلاع سفارت بریتانیا رساند. در این نامه آمده بود در حال حاضر موقعیت حقوقی دریای خزر همان است که به موجب قراردادهای (۱۹۲۱م و ۱۹۴۰م) بین ایران و شوروی مقرر شده بود. روسیه و ایران و همچنین کشورهای دیگر تاجیه دریای خزر بر وفق اصول و ضوابط حقوق بین‌الملل مادام که توافق جدیدی جانشین قراردادهای مذکور نشده است که به مفاد آنها ملتزم خواهند بود. از سوی دیگر، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان را متهم می‌کند که در مساله تقسیم بستر و زیر بستر دریای خزر مخالف قوانین و مقررات بین‌المللی عمل کرده و توجهی به آنها ندارد. تفاوت دیدگاه‌های این دو جمهوری بر سر تقسیم دریای خزر باعث شده که بر سر مالکیت چند حوزه نفتی بشدت با هم اختلاف داشته باشند، به‌خصوص حوزه نفتی غنی‌ای که ترکمن‌ها آن را «خردار» و آذری‌ها «کیزر» می‌خوانند.

سابقه اختلاف در نظام حقوقی دریای خزر

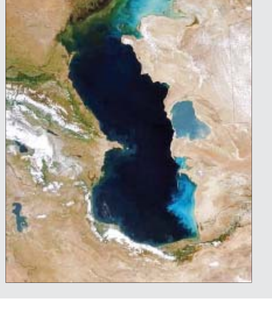

اختلافی که اینک درباره رژیم حقوقی دریای خزر مطرح است در اوایل سال ۱۹۹۴ بروز کرد و زمینه بروز آن مذاکراتی بود که در آن تاریخ بین دولت جمهوری آذربایجان و کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی جریان داشت.

مذاکرات مزبور در سپتامبر ۱۹۹۴ به امضای قراردادی منتهی شد و موضوع قرارداد عبارت بود از اجرای عملیات جهت توسعه و بهره‌برداری از میدان‌های نفتی واقع در منطقه‌ای که در قرارداد از آن به‌عنوان بخش آذری زیر بستر دریای خزر مذکور شده بود. پیش از آنکه کار مذاکرات به امضای قرارداد بینجانبه وزارت خارجه روسیه طی نامه‌ای در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۹۴م موضع رسمی دولت متبوع خود را به اطلاع سفارت بریتانیا رساند. در این نامه آمده بود در حال حاضر موقعیت حقوقی دریای خزر همان است که به موجب قراردادهای (۱۹۲۱م و ۱۹۴۰م) بین ایران و شوروی مقرر شده بود. روسیه و ایران و همچنین کشورهای دیگر ناحیه دریای خزر بر وفق اصول و ضوابط حقوق بین‌الملل مادام که توافق جدیدی جانشین قراردادهای مذکور نشده است به مفاد آنها ملتزم خواهند بود. از سوی دیگر، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان را متهم می‌کند که در مساله تقسیم بستر و زیر بستر دریای خزر مخالف قوانین و مقررات بین‌المللی عمل کرده و توجهی به آنها ندارد. تفاوت دیدگاه‌های این دو جمهوری بر سر تقسیم دریای خزر باعث شده که بر سر مالکیت چند حوزه نفتی بشدت با هم اختلاف داشته باشند، به‌خصوص حوزه نفتی غنی‌ای که ترکمن‌ها آن را «خردار» و آذری‌ها «کیزر» می‌خوانند.

نگاه

ساحل ایران کشیدند تعریف می‌کنند. شما کدام یکی از این مواضع را بهتر و برای ایران بااستنادات حقوقی بیشتر می‌دانید؟

ببینید موضع سهم ۵۰درصدی برای ایران، دارای اعتبار و وجاهت بیشتر است. برای اینکه وقتی در متن قرارداد آمده طرفین می‌توانند از انتفاعات شناخته شده در آن دوران به مسوات بهره‌برداری کنند، ما با تنقیح مواد می‌توانیم این حق بهره‌برداری برابر را به سایر انتفاعات نسبت دهیم.

بنابراین باید مبنایی که در گذشته برای استفاده و انتفاع طرفین گذاشته شده بود و فرقی نمی‌کند وسایل و امکانات به‌روزتر شده و اصل بر این است که برنامه‌ای که ملاک تقسیم حقوق و تعیین حدود قرار گرفته حاکمیت دارد، حتی با وجود اینکه انواع و اقسام انتفاعات به آن اضافه شده باشد؛ این از نظر حقوقی بی‌معنا و رد شده است چون آن زمان قدرت استخراج این منابع جدید نبوده ولی حال چنین قابلیتی پدید آمده حقوق طرفین تغییر کند.

این نکته نیز خیلی حایز اهمیت است که در زمان انعقاد این قرارداد ایران در وضعیت ضعیف و منشنجی قرار داشته در صورتی که شوروی به‌عنوان یک دولت بزرگ و قدرتمند از توانایی تحکم به ایران برخوردار بوده اما با این وجود صلاح خود را در بهره‌برداری مساوی دانسته است.

نهایتا به نظر من از جهت اصول حقوقی، موضع ۵۰درصدی برای ما بهتر و محکم‌تر برای ارایه به دیوان داوری است زیرا در این سوارد، موضوع مورد انتفاع چندان اهمیت ندارد بلکه محور بر حول مبنا و اصول حقوقی منعقد شده می‌چرخد.

■ پس چرا وزارت‌خارجه ایران صحبت از موضع ۵۰درصد گذشته و سهم ۲۰درصدی می‌کند که دولت‌های دیگر هم آن را قبول نمی‌کنند؟

ببینید ما یک اصول و مبانی حقوق داریم که بر پایه تعهدات و قراردادهاست. از سوی دیگر هم تصمیم‌گیری در سطح کلان بین‌المللی وجود دارد که برپایه سیاست است. با این حال تصمیم‌گیری ممکن است نشات گرفته از عوامل تنظیل آن با موضوع مسوولیت ناشی از ریزگردها بسیار دشوار است.

در خصوص حقوق بین‌الملل عرفی، هرچند در چارچوب اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها می‌توان عناصری از شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی را شناسایی کرد با این وجود حقوق بین‌الملل عرفی برای تعیین مسوولیت کشورهای مختلف در حوزه ریزگردها به اندازه کافی غنی نبوده و فاقد ضمانت اجرایی موثر است.

در خصوص رویه قضایی هم، دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان‌های داوری بین‌المللی در آرا منعدد چون قضیه‌تریل اسملتر، گابسیکوناگیماراس و دریاچه لانو، مسوولیت‌های فرامرزی و مشترک دولت‌ها به‌خصوص در حوزه آب‌ها و رودخانه‌های مشترک را مورد بحث و توجه قرار داده‌اند. با این وجود تا آنجا که مطالعات من نشان می‌دهد رویه قضایی قابل استناد در موضوع مسوولیت کشورها در حوزه ریزگردها وجود ندارد و بخطور کلی منابع حقوقی بین‌المللی برای تعریف عنصر قانونی مسوولیت ناشی از ریزگردها غنی نیست.

سومین موضوع مقدماتی که باید مورد بحث قرار گیرد، کانون داخلی ریزگردها است. طی سال‌های اخیر به دلیل مدیریت نک‌بدی و نامطلوب منابع آب و عدم توجه کافی به اصول توسعه پایدار، هیجان در سدسازی‌های شتابزده روی رودخانه‌های کارون، کرخه، زاینده رود، زیزه‌رود و سیمینه‌رود، هیرمند، خرسان، زاب، اروندرود و غارت خاله زیست‌محیطی - دریاچه‌ها، تالاب‌ها دشت‌ها و بطور کلی زیست‌گاه‌های ابی ازرشمند از جمله گاوخونی، دریاچه ارومیه، پریشان، هامون، شادگان، طشک، بختگان، کندمان، ازرن، مهارلو، کافتر، هور و هویزه و سوءمدیریت منابع آب و اکوسیستم‌های طبیعی بستر مناسبی برای فرسایش، تغییر کاربری، فروشست، کاهش شدید عرصه‌های جنگلی فراهم آمده و فجایع عظیم اکوسیستمی در کشور رخ داده که یکی از آثار زیانبار آن اوگیری پدیده ریزگردها با منشا تالابی است. از این‌رو در تعیین مسوولیت کشورها، مسوولیت کشورمان نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به ابعاد پیچیده و به هم تنیده گوناگون‌های ناشی از ریزگردها به نظر می‌رسد قبل از هر اقد